

حسین دهلوی

HOSSEIN DEHLAVI

خسرو و شیرین

اپرادر ۴ پرده

KHOSROW AND SHIRIN

AN OPERA IN 4 ACTS

خلاصه نویسی برای آواز و پیانو

FOR VOICES AND PIANO REDUCTION

گنجینه‌ی نت نوشت‌های رودکی

MUSIC TREASURES OF RUDAKI

انتشارات بنیاد رودکی
تهران - مهر ۱۴۰۰

RUDAKI FOUNDATION EDITION

TEHRAN — OCTOBER 2021



سرشناسه: دهلوی، حسین، ۱۳۰۶-۱۳۹۸.

عنوان و نام پدیدآور: خسرو و شیرین: اپرا در ۴ پرده: خلاصه‌نویسی برای آواز و پیانو/ حسین دهلوی؛ به کوشش کیاوش صاحب‌نسق؛ ویراستار مینا اکبری‌جاوید.
مشخصات نشر: تهران: بنیاد فرهنگی هنری رودکی، انتشارات، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۸۲ ص: پارتیسیون.

فروست: گنجینه‌ی نت نوشته‌های رودکی = Music treasures of rudaki

شابک: 978-622-94018-0-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: خلاصه‌نویسی برای آواز و پیانو.

موضوع: موسیقی برای پیانو -- پارتیسیون

Piano music -- Scores and parts

موسیقی برای ارکستر -- پارتیسیون

Orchestral music-- Scores

آواز ایرانی -- دستگاه‌ها -- ردیف -- پارتیسیون

Singing, Iranian -- Dastgah-- Radif -- Scores

شناسه افزوده: صاحب‌نسق، کیاوش، ۱۳۴۷، - گردآورنده

رده بندی کنگره: MT۲۲۵

رده بندی دیویی: ۷۸۶/۲

وابسته به
بنیاد فرهنگی هنری رودکی
انتشارات رودکی



خسرو و شیرین (اپرا در ۴ پرده)

خلاصه نویسی برای آواز و پیانو

پدیدآور: حسین دهلوی

به کوشش: کیاوش صاحب‌نسق

ویراستار: مینا اکبری‌جاوید

ناشر: بنیاد فرهنگی هنری رودکی

صفحه آرا: سید مهرداد غفاری

فاکسی میله (تصویر از دست‌خط): کیومرث طالبی

پالایش و ترمیم نت نوشت: کیاوش صاحب‌نسق

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰ تیراژ: ۳۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۰۱۸-۰۰-۴

چاپ و صحافی: طهرانی

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار (پهنه رودکی) - انتشارات بنیاد فرهنگی هنری رودکی

تلفن: ۰۶-۶۶۷۵۷۵۰۶ نمابر: ۶۶۷۱۹۸۷۷ کدپستی: ۱۱۳۳۹۱۴۹۴۹

با نام او

هویت موسیقی ارکستری ایران وابسته به خلق و اجرای آثاری از آهنگسازان ایران است که به سفارش یا توجه متولیان ارکستر سنفونیک تهران و ادارات، انجمن ها و یا مراکز مربوط به این بدنه ی مهم موسیقایی پایتخت از زمان پایه گذاری ارکستر سنفونیک تهران تا به امروز شکل گرفته است.

هر اثر که خلق و اجرا شده، برگه ای از تاریخ پویای موسیقی علمی و چند صدایی است که با وجود دغدغه های متفاوت خالق اثر آن، اشتراک ایرانی بودن و ایرانی اندیشیدن و تلاش مشترک برای حفظ ریشه های هنر و فرهنگ ایران را در دل خویش جای داده است.

از نگاه ژرف و بدیع آهنگسازی که نواهای محلی ایران را در قالبی تازه و جهانی به رنگ ارکستر مزین کردند تا جاودانی کردن آثار ادبی کهن ایران در قالب موسیقی تأثر و اپرا ها و یا موسیقی های بدون کلام با بدنه ی محض و انتزاعی تر ، همه و همه در مسیر تکامل تاریخی زبان موسیقی این مرز و بوم در طی کمتر از ۸۰ سال از تاسیس ارکستر سنفونیک تهران خلق، اجرا ، به آرشو و کتابخانه این ارکستر اضافه شده است.

در راستای طرح ساماندهی کتابخانه تالار رودکی برای هرچه بیشتر شناساندن این آثار به جامعه دانشگاهی، آهنگسازان، نوازندگان و پژوهشگران موسیقی در قدم اول به نشر ۲۰ اثر منتخب از گنجینه نت‌نوشت های رودکی از آهنگسازان صاحب نام و تراز اول در تیراژ محدود توسط نشر بنیاد رودکی پرداخته شد، تا یاد تمام نغمه ها و نواهای آنان بدست فراموشی سپرده نشود و قدردان هنرشان باقی بمانیم.

این ویژه نت‌نوشت اما به پاس و یاد خدمات گرانقدر استاد حسین دهلوی در عرصه موسیقی ایران و برای رونمایی همزمان با افتتاحیه تالار استاد حسین دهلوی از روی تصویر دست‌خط ایشان به نشر می رسد. مسلماً این امکان بدون توجه ویژه ی مدیرعامل محترم بنیاد رودکی به مقوله های آموزش و پژوهش در موسیقی امکان پذیر نمی شد و مساعدت ها و دلگرمی های بی دریغ ایشان و تمامی همکاران در بخش های مختلف بنیاد، اهمیت انجام این امر و وظیفه مهم و تاریخی را به ما تا انتها گوشزد نمود. غرض نقشیست ...

کیاوش صاحب نسق

آهنگساز - دبیر هنری و اجرایی

ساماندهی کتابخانه و آرشو تالار رودکی

حسین دهلوی

۷ مهر ۱۳۰۶ تهران/۲۳ مهر ۱۳۹۸

آغاز به فراگیری موسیقی از سن ۵ سالگی با ساز تار؛
از ۱۱ سالگی با آموزش ویولن ایرانی (دوره اول ویولن) نزد پدر وی معزالدین دهلوی، از شاگردان علی اکبر شهنازی و سپس با ابوالحسن صبا (دوره دوم ردیف راست کوک)
۱۳۲۸ دو سال فراگیری مبانی آهنگسازی نزد حسین ناصحی به شکل خصوصی با راهنمایی روییک گریگوریان (رئیس وقت هنرستان عالی موسیقی)

۱۳۳۵ ورود به هنرستان عالی موسیقی در رشته آهنگسازی زیر نظر حسین ناصحی و هایمو توییر
۱۳۳۶ رهبری ارکستر صبا پس از درگذشت ابوالحسن صبا
۱۳۳۷ اجرای هفتگی ارکستر صبا به رهبری وی با افتتاح تلویزیون ایران
رهبری ارکستر شماره سه هنرهای زیبا پس از مرگ علی محمد خادم میثاق
حضور چندین ساله در کلاس خصوصی توماس کریستیان داوید، رهبر و آهنگساز اتریشی
۱۳۳۹ فارغ التحصیل از هنرستان عالی موسیقی در رشته آهنگسازی
۱۳۴۱-۱۳۵۰ ریاست هنرستان موسیقی ملی

این دوره یکی از درخشان ترین دوران هنرستان موسیقی ملی تلقی می شود که اکثر هنرجویان آن دوران موسیقیدانان طراز اول امروز ایران هستند. از مهم ترین فارغ التحصیلان هنرستان در دوره ی دهلوی می توان اردشیر روحانی، مهربانو توفیق، داریوش دولتشاهی، اسماعیل واثقی، کامیاب روشن روان، اسماعیل تهرانی، سوسن اصلانی، ملیحه سعیدی، مینا افتاده، علی رهبری، علی رئیس فرشاد، محسن تویسرکانی، شهرداد روحانی، داریوش طلایی، حسین عزیزاده، آذر هاشمی و ... را نام برد.
۱۳۴۵ ازدواج با سوسن اصلانی نوازنده ی سنتور (از شاگردان هنرستان ملی وی)
۱۳۴۷ تشکیل ارکستر ایرانی تالار رودکی با شاگردان و فارغ التحصیلان هنرستان موسیقی در ادامه راه ارکستر صبا
شهریور ۱۳۷۱ تشکیل ارکستر مضرابی با ۷۰ نوازنده

آثار منتخب:

۱۳۳۲ سیکال در شور برای ارکستر؛
۱۳۳۳ شور آفرین در ابوعطا برای ارکستر؛
۱۳۳۶ دوئو سنتور در سه گاه؛
۱۳۳۷ کنسرتینو برای سنتور و ارکستر (حسین دهلوی - فرامرز پایور)؛
۱۳۳۷ فانتزی برای گروه تمیک و ارکستر؛
۱۳۳۸ شوشتی برای ویولن و ارکستر؛
۱۳۴۱ فروغ عشق برای آواز و ارکستر زهی؛
۱۳۴۳ فانتزی برای تار و ارکستر؛
۱۳۴۳ چهارنوازی مضرابی در اصفهان؛
۱۳۴۴ بندباز: فانتزی برای تار و ارکستر، براساس قطعه «بندباز» اثر کلنل علینقی وزیری؛
۱۳۴۵ سرباز برای آواز گروهی و ارکستر؛
۱۳۴۹ اپرای خسرو و شیرین در چهار پرده با لیبرتوی دکتر احمد دانشور بر گرفته از منظومه ی نظامی؛
۵۴-۱۳۵۳ بیژن و منیژه برای ارکستر سنفونیک (تم قسمت اول با الهام از قطعه حرمان اثر حسین ناصحی)؛
۱۳۵۶ سوئیت بیژن و منیژه برای ارکستر زهی؛
۱۳۳۶-۷۱ گفتگوی دل برای آواز و ارکستر درشور؛
۱۳۷۱ پیش درآمد همایون بر اساس ملودی فرامرز پایور تنظیم برای ارکستر مضرابی (۱۳۳۶)؛

۱۳۷۱ نخستین گلبانگ مضرابی بر اساس چهارنوازی مضرابی؛

۱۳۷۲ مهر فروزان برای آواز و ارکستر مضرابی (اوایل دهه ۳۰)؛

۱۳۷۲ شراب عشق برای آواز و ارکستر مضرابی (۱۳۳۸)؛

۱۳۵۵-۱۳۵۷ اپرای مانا و مانی به مناسبت روز جهانی کودک؛

۱۳۵۸ دو نوازی برای سنتور و تار در چهارگاه.

به همراه این آثار منتخب مجموعه بیشمار از تنظیمات از وی به یادگار مانده است که بیشتر برای اجرا با ارکستر و گُر هنرستان موسیقی تنظیم می شدند و یا با ارکستر صبا، ارکستر ایرانی تالار رودکی و ارکستر مضرابی به اجرا در می آمدند مانند ترانه محلی مسم مسم، تنظیم مشترک حسین دهلوی و علی رهبری، واسونک از علیمحمد خادم میثاق و ... پیشنهاد و توجه به ساخت سنتور کروماتیک برای جبران مشکل کوک این ساز برای استفاده در ارکستر از ابداعات ابراهیم قنبری مهر.

کتاب: پیوند شعر و موسیقی آوازی (۱۳۷۹)

تدوین متد تمبک به وسیله او و جمعی دیگر از جمله حسین تهرانی، مصطفی پورتراب، فرهاد فخرالدینی و هوشنگ ظریف برای بهبود جایگاه تمبک در موسیقی ایرانی و آسان سازی آموزش این ساز
مقالات: بحث پدال در موسیقی ایران (خ ۱۳۳۴)، موسیقی و اجتماع (خ ۱۳۳۶)، کنترپوان و مقایسه ی آن با هارمونی (م، آ ۱۳۳۳)، چند صدایی در موسیقی ایران (ت ۱۳۴۰) درباره ی لزوم تشکیل گُرهای اصلی، تلفیق شعر و موسیقی، توسعه ی موسیقی ایران و چگونه فواصل را بیاموزیم در مجله موسیقی به سردبیری علی محمد رشیدی، اصالت هنری صبا.

تاریخچه و شناسنامه اثر :

آپرایی از حسین دهلوی در ۴ پرده

لیبرتو: با شعر و منی از دکتر احمد دانشور با اقتباس از نظامی

تقویم ساخت اثر:

پرده اول از ۲۰ اسفند ۱۳۴۶

پرده دوم از ۱۳ مهر ۱۳۴۷

پرده سوم از ۱۰ خرداد ۱۳۴۸

پرده چهارم از ۲۷ دی ۱۳۴۸

پایان ۲۳ خرداد ۱۳۴۹

عوامل و زمان اجرا:

اجرا: ۴، ۵، ۷ آبان ۱۳۴۹ با گُر و ارکستر سنفونیک تهران به رهبری حشمت سنجری، رهبر کرکاردل ارنست آکرمان

کارگردان: عنایت رضایی، طراح دکور: تتولاو، طراح لباس: هلن انشاء

تکخوانان آپرا: حسین سرشار (خسرو پرویز)، عنایت رضایی (شاپور)، سودابه صفاییه (شیرین)، الک ملکونیان (فرهاد)، فاخره صبا (مریم)، وحیده

فتوره جی (ندیمه)، دانیل گوزوین (سردار ایرانی)، روبن آقابگیانس (پیرمرد) و اسماعیل وانقی (دربان).

گزارش و نقد اجرای این آپرا: به قلم سعدی حسنی، هوشنگ طاهری در بخشی از مقاله انتقادی ش به رهبری حشمت سنجری و ارکستر سنفونیک و همینطور در گفتگو با احمد پژمان که پیش از آن با خلق و اجرای آپرای دلاور سهند در تالار وحدت، در مرکز توجه قرار گرفته بود. در نشریان موسیقی آن زمان منتشر شده است که از آنها می توان هم موفقیت و منحصر به فرد بودن طرح اثر توسط آهنگساز را فهمید و هم مشکلات فنی و تخصصی که در اجرا یا در تصنیف اثر حتی توسط خود آهنگساز در آن زمان و بعد ها به نقل قول از بانو سوسن اصلانی و هومن دهلوی به آن اشاره شده است را متوجه شد.

سعدی حسنی برای این اثر و اجرایش می نویسد:

اُپرای خسرو و شیرین روی داستان منظوم نظامی گنجوی بنا شد. در سال ۱۳۴۷ حسین دانشور قسمت‌هایی از منظومه خسرو و شیرین نظامی را به صورت یک نمایش‌نامه اُپرایی تنظیم کرد و به تالار رودکی آورد. اشکالی که به نظر من در این نمایش‌نامه وجود داشت آن بود که منظومه نظامی از آغاز تا پایان در بحر متقارب به ریتم یکنواخت نوشته شده بود و برای موسیقی مناسب نبود. آهنگساز تا حدودی می‌توانست از ریتم یکنواخت شعری در موسیقی احتراز کند، ولی این کار برای یک اُپرای کامل امکان نداشت. با این نظر حسین دهلوی آهنگساز اُپرا نیز موافق بود...

اُپرای خسرو و شیرین از نظر موسیقی دارای اهمیت شایسته‌است. در واقع این نخستین باری است که یک اُپرا با تمام جزئیات لازم و بدون کم و کسر اضطراری، که غالباً به علت عجله به وجود می‌آید، به روی صحنه آمد.

حسین دهلوی با آنکه نخستین بار موسیقی اُپرا می‌نوشت، در کار خود با دقت و نکته‌سنجی فراوان به تصنیف اثر پرداخت. او در تلفیق کلام فارسی و موسیقی اُپرایی، که مشکل اساسی در اُپراهای پیش بود، کوشش بسیار کرد و باید گفت که برای نخستین بار کلام فارسی در اُپرا به لهجه فارسی خوانده می‌شد.

موسیقی خسرو و شیرین بسیار روان و دارای ملودی‌های مناسب است. حالات نمایشی با موسیقی تطبیق میکند و سازهای همراهی‌کننده، همواره خوب انتخاب شده‌است. ملودی‌هایی که دهلوی برگزیده، گرچه اغلب اختصاصات موسیقی ایرانی را ندارد، اما تا آنجا که ممکن بود شیوه موسیقی ایرانی یا ارمنی مربوط به داستان اختیار شده‌است. از جمله پرلود و آواز جمعی دختران از پرده دوم حالت شرقی دارد و از زیباترین قسمت‌های اُپراست.

کارگردانی اُپرا را عنایت رضایی به عهده داشت. با وجود آنکه امکانات نمایشی کافی در نمایش‌نامه وجود داشت، با این حال کارگردانی ضعیف و بی‌حالت بود، به طوری که نه تنها به جلوه اُپرا کمک نمی‌کرد، بلکه تا اندازه‌ای از ارزش نمایشی اُپرا کاست. رهبری ارکستر را حشمت سنجری به عهده داشت و از این حیث اجرای اُپرا به خوبی برگزار شد. دکورهای اُپرا را تتولاو ساخت و او صحنه‌های جالبی از دربار ساسانی به نمایش گذاشت. لباس‌های اُپرا را هلن انشا طراحی کرد که بیشتر به لباس‌های اروپایی شباهت داشت تا به لباس دوره ساسانی... اما بزرگ‌ترین نقص داستانی این اُپرا موضوع فرهاد است. فرهاد در این اُپرا یک نقش زاید و بی‌معنی است... در حالی که در داستان نظامی گنجوی نقش مهم‌تری دارد...

احمد پژمان موسیقی خسرو و شیرین را تحسین میکند و به عنوان اولین کارهای جدی وی برای دهلوی پیش‌بینی موفقیت‌های درخشانی میکند و وی را از استعداد، ذوق و قریحه فراوانی برخوردار می‌داند. ولی راهنمایی‌های توماس کریستیان داوید در نوشتن خسرو و شیرین را مثبت ارزیابی نمی‌کند و دلیل شناساندن دهلوی را از قبل موسیقی اش - آنگونه که هست - را به داوید مرتبط می‌داند. نقد او اما بیشتر به لیبرتوی اُپرا نوشته احمد دانشور برمیگردد که ظاهراً به آن دیگران نیز اشاره کرده‌اند و دلیل مشکلات تلفیق کلام و موسیقی را به امر عدم احاطه داوید به زبان فارسی و صحیح نبودن راهنمایی‌های وی در این زمینه به دهلوی نسبت می‌دهد. با وجود این موفقیت موسیقی دهلوی را بسیار در این نخستین کار اُپرایی بسیار غافلگیر کننده می‌بیند.

پژمان در ادامه به مشکل تعجیل در تعویض آثار پر دردسر و پیچیده از نظر اجرا می‌پردازد که مشابه نقد کلی هوشنگ ظاهری است که به برنامه‌های ارکستر سنفونیک و شیوه تمرینات ناکامل و ناقص و عجولانه رهبر با رپرتواری محدود یا ارکستر پرداخته است و در باب نقد اجرای خسرو و شیرین به کمی زمان تمرین برای آمادگی این اثر و طبیعتاً اجرای ناکامل و نرسیده آن اشاره می‌کند تا جایی که به خاطر این عدم آمادگی و نداشتن وقت کافی قسمت‌های از این اُپرا حذف شده و اجرا نمی‌شوند. شناسایی این اثر به عنوان اولین اثر اُپرایی حسین دهلوی برای دنبال کردن مسیر تفکر و ارتقا آفاق و دانش آهنگسازی همچون حسین دهلوی بسیار حائز اهمیت است. بعد از اجرای این اُپرا دهلوی در صدد تصحیح، دوباره نویسی و شاید حتی کوتاه کردن این اثر بوده است.

روایت یافتن نت‌نوشت:

در هنگام ساماندهی که در بازه‌ی زمانی بهمن ۱۳۹۹ تا مهر ۱۴۰۰ در کتابخانه و آرشیو نت‌نوشت‌های بنیاد رودکی و تالار وحدت اتفاق افتاد، در بررسی آثار بدون شناسنامه در کارتن‌ها و زونکن‌های موجود با خلاصه‌پیانویی و پارت‌های اُپرای خسرو و شیرین مواجه شدیم. مجلد نفیس چرمی، کاغذ ضخیم کپی این خلاصه‌پیانویی را از گزند زمان حفظ کرده بود. خلاصه‌ی بیانویی با یادداشت‌ها و علامت‌گذاری‌های به احتمال

قوی رهبر کر هنگام اجرای این اثر یعنی کارل ارنست اکرم‌ان و یا کریتیتور آن، با مداد سیاه و قرمز روی آن ثبت شده بود. ما شاهد چکیده ای هیجان انگیز از روایت یک آپرا با هدایت برای اجرای آن بودیم که در آن ارکستر مجسم شده در پیانو با خط های تک‌خوان ها و کر این اثر روی این خلاصه پیاپویی از آپرا، روایت کامل تفکر خلاق آهنگساز را به شکل چشم‌نوازی نمایش می داد. پیشنهاد انتشار این اثر در گنجینه نت‌نوشت های رودکی به بهانه افتتاحیه سالن استاد حسین دهلوی در طبقه پنجم تالار وحدت در ماه تولد و پرواز وی با موافقت همراه شد و قرار براین شد که چکیده پیاپویی به همان شکل منتشر شود.

در گفتگوی تلفنی با بانو سوسن اصلانی همسر و هومن دهلوی پسر استاد با کمال احتیاط و احترام در مورد این انتخاب و اتفاق صحبت کردم و در مورد احتمال پیدا کردن نسخه ی دست‌نویس آپرا و خلاصه پیاپویی آن در لابه لای آثار استاد پرسیدم. خوشبختانه با مهر و لطف بسیار خانم دهلوی موافقت شد که من در کارتن های آثار استاد که از هنگام جابه جایی به منزل جدید هنوز بیرون آورده نشده بودند، به جستجو بپردازم که بعد از ۴ ساعت جستجو در لابه لای زورق های تاریخ موسیقی ایران با دنیای بسیار دقیق و منظمی از دست‌نوشته ها، یادداشت ها و نت‌نوشت‌های آثار و تنظیمات، با خوشحالی به اصل دستخط پارتیتور و خلاصه پیاپویی خسرو و شیرین رسیدم. با تطبیق شماره ی صفحات خلاصه پیاپویی اصلی با نسخه کپی تالار متوجه کسری ۲۹ صفحه از نسخه ی اصلی در میانه ی پرده ی اول و انتهای پرده ی سوم شدیم که احتمالا در بخشی دیگر از کاغذهای ایشان باید قرار گرفته باشند چرا که همین میزان ها از پارتیتور اصلی آپرا نیز موجود نیستند و این احتمالا نشان‌دهنده ی تغییرات و تصحیحاتی است که خالق اثر برای اعمال در نظر گرفته بوده است همانطور که هومن دهلوی از اظهارات پدر در باب تغییراتی در بخش هایی از این اثر به خاطر میاورد.

نگرش و شیوه آهنگسازی

در پیشگفتار چاپ اول اثر سبک‌بال - برای ارکستر ملی در شور ساخته ۱۳۳۲ ملهم از قطعه رقص چوبی قاسم آبادی با اجرا و تنظیم استاد ابوالحسن صبا که دی ماه ۱۳۵۴ منتشر شده، حسین دهلوی توضیحات کلیدی در مورد اهمیت قطعه ی سبک‌بال می دهد، که در مورد آثار بعد از آن نیز حائز اهمیت می باشند:

در سازبندی این قطعه از سازهایی استفاده شده است که از نظر رنگ، حالت و کیفیت صدا با لحن موسیقی ایرانی سازگار باشد. بدین معنای که تعدادی از سازهای بادی چوبی، گروه سازهای آرشه ای و نیز تعدادی از سازهای مضرابی ایرانی (به شکل گروهی و مشخص) مورد استفاده قرار گرفته است.

و در ادامه توضیح می‌دهد که در چند سال گذشته آثاری بر مبنای سازبندی سبک‌بال و همچنین قطعاتی برای آپرا (آپرای خسرو و شیرین، اولین اجرا: تهران - آبان ماه ۱۳۴۹) و موسیقی صحنه ای (بیژن و منیره - اولین اجرا تصنیف کرده است، تاکید وی به اهمیت انتشار آثار و نوشته ها (در هر زمینه) است که منابع سرشاری برای دستیابی به عقاید، افکار و آثار پیشینیان و معاصران است و به ویژه برای پژوهندگان و آفرینندگان، از ضروری ترین ابزار کار اندیشیدن و آفریدن به شمار می آید و با نقل قول از اسحاق نیوتن لازمه برپار ساختن فرهنگ ملی را به زبان او بیان میکند: من اگر می توانستم دوردست‌ها را بینم به این خاطر بود که برشانه ای بلندی قرار داشتم، بر فرهنگ کشوری که سرشار از اندیشه ها و آثار مکتوب بود و من میراث‌خوار (دار) آن بودم...

با انتشار قطعه شور آفرین در ابوعطا به سال ۱۳۳۳ که ۱۳۵۶ منتشر شده در ادامه ی توضیحات خود از یادداشت ابتدای سبک‌بال می نویسد: در عین حال که برای ردیف های موسیقی ایرانی ارزش فراوان قائلم ناگزیر از عنوان کردن این نکته ایم که موسیقی ما اکنون بیش از هر چیز نیازمند خلق آثاری در زمینه های گوناگون - از موسیقی آوازی تا ارکستر و از موسیقی کودک تا آپرا و باله و غیره است. آثاری که از یک سو از ویژگی های موسیقی ملی ما الهام بگیرد و از سوی دیگر رابطه ای اندیشمندانه و متناسب با تحولات جهان امروز و زمان و نیازهای جامعه ی کنونی ما داشته باشد. بدینسان است که می توان از ارزش های معنوی هنر در رودررویی با پدیده های مادی تکنولوژی و ماشین‌ساز بهره مند شد و در جهت متعادل کردن ارزش های معنوی و مادی گامی موثر برداشت و از انحراف ها و ابتذال های هنری جلوگیری نمود.

دهلوی در بخشی از مقاله نظری کوتاه بر چند صدایی موسیقی ایرانی می نویسد: در حد امکان باید ناآگاهانه از ترکیبات خشن در چند صدایی کردن موسیقی ایرانی پرهیز کرد مگر در مواردی که برای توصیف موضوعی و یا صحنه ای لازم باشد. برداشت ما از ترکیبات صوتی نباید به گونه ای باشد که موسیقی ملی تحت تاثیر کاربرد عوامل تکنیکی قرار گیرد و خصوصیات خود را از دست بدهد. آنجا که در نظم و نثر لفظ بر معنی

بیشی می گیرد همان است که در موسیقی تکنیک بر محتوا غلبه میکند. این نکته قابل توجهی است که بخشی از عدم پذیرش سنت گرایان را از چند صدایی شدن موسیقی ایرانی به دنبال داشته است. بی شک کسانی که باشیوه های مختلف ارکستراسیون آشنایی دارند به خوبی آگاهند که می توان در حد ظرفیت موسیقی ملی وظیفه اجرای بخشی از صداهای نامطبوع را به سازهایی واگذار کرد که در سازبندی اثر، بخش های روشن و درخشان موسیقی را به عهده ندارند. با این تمهید از سویی در حد متعادل صداهای مورد نظر را به کار برده ایم تا موسیقی دچار یکنواختی هارمونی نشود و از سویی دیگر موسیقی ملی را به وضوح در جاذبه های فریبنده ی آکورد های خشن که برای مخاطبین موسیقی ایرانی بسیار نامانوس است قرار نداده ایم تا احساس بیگانگی کنند.

حسین دهلوی همراه با تنظیم ها، الهامات و به استقبال رفتن های بیشمار از ملودی های زیبایی که از موسیقی دانان ایرانی، موسیقی ردیف و دستگاهی و یا موسیقی محلی و نواحی نوشته شده اند - به واسطه دغدغه و توجه خاص وی به این گنجینه های موسیقی با درک عمیق جوهره ی این آثار - اشراف و احاطه ی استادانه ای را در این عرصه کسب کرد تا با این کشف و شهود، سازبندی و ارکستری کردن آن آثار را به عنوان بارقه های آغازین در آثار جاودانه خویش به درجه ای از تعالی موسیقی چند صدایی ایران به شیوه خود را ابداع کند. وی با نگاهی مسئولانه و پر از عشق به فرهنگ و ادب و هنر ایران با توجه به درک صحیح از زیبایی شناسی اصیل موسیقی ایران بدون ادعا و خستگی ناپذیر به خلق آثار و تنظیماتی پرداخت. این آثار از مهمترین مسیرهایی هستند که هر آهنگساز ایرانی بدون گذر و شناخت عمیق آنها پازل مهمی از سیر تحول موسیقی ارکستری ایران را نادیده خواهد گرفت.

وی در زمینه ی استفاده از فواصل ریزبرده در ادامه راه وزیری، خالقی و صبا و نگاه معاصرتر حسین ناصحی و کریستین داوید اصول چندصدایی آنان را تعمیم و بسط داد. به نظر نگارنده نگاه هارمونی چهارم و دوم (کوارتال و سکوندال) بر اساس روی هم قرار گرفتن دانگهای ایرانی و انشعاب آن از چند صدایی متعارف براساس سوم ها (تیرسی) امری است که در طبیعت موسیقی ایران وجود داشته و همیشه در انتظار کشف موسیقیدانان بوده است! نگاه کنیم به سبک بالی، شوشتری، مهر فروزان در سه گاه، شور آفرین و حتی در بدنه موسیقی متعدل شده خسرو و شیرین بخصوص در موسیقی بیژن و منیژه با طرح آواز دشتی تعدیل شده حتی این شیوه چند صدایی به چشم می خورد. آثاری که بین سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶ مکتوب شده بودند.

در بیژن و منیژه ساخته حسین دهلوی در بخشی از قطعه که روی آواز دشتی با بنیه ی دستگاه شور ساخته شده است، چنین آکوردهایی را میتوان از بدنه ملودیک آن استخراج کرد که خود حسین دهلوی نیز از آنها به همین ترتیب استفاده کرده است:

نمونه آکوردهای بکار گرفته شده در بیژن و منیژه نوشته حسین دهلوی:



کیاوش صاحب نسق

مهر ۱۴۰۰